

کنجینه های هنر آیرین در آلمان

هنر آیرین در موزه های برلن

دکتر امیر اشرف آریان پور

تعداد سیصد و پنجاه هزار خانه جدید در آنجا ساخته اند.

برلن از دو قسمت اصلی تشکیل یافته است: برلن غربی و برلن شرقی. برلن غربی از شهرهای عمده آلمان غربی است و برلن شرقی پایتخت آلمان شرقی بشمار میرود. دو قسمت شهر بوسیله دیوارهای بلند و سیم های خاردار از هم جداست.

برلن غربی دو دانشگاه دارد:

دانشگاه آزاد و دانشگاه فنی؛ علاوه بر آن یک دانشگاه آمریکائی در برلن غربی تأسیس شده است. سایر مدارس عالی برلن غربی بقرار زیر است:

مدرسه تربیت معلم، مدرسه امور مذهبی (برای فرقه پروتستان، که هفتاد و سه درصد جمعیت شهر را تشکیل میدهند)، مدرسه عالی موسیقی، مدرسه عالی مجسمه سازی، آکادمی فیلم و تلویزیون و آکادمی عالی امور اداری.

برلن شرقی یک دانشگاه بنام «همبولت» دارد که در سال ۱۸۱۰ تأسیس یافته است. از مدارس عالی برلن شرقی

در حدود هفتصد و پنجاه سال پیش (سال ۱۲۳۰) دو نجیب زاده آلمانی بنام «گراف یوهان اول» و «اتوسوم فون براندنبورگ» شهرکی در شرق آلمان ساختند و نامش را برلن گذاشتند. چون این شهرک سر راه شرق و غرب قرار داشت، در سده چهاردهم از نظر تجارتنی اهمیت پیدا کرد. با وجود این در سال ۱۵۴۰ جمعیت برلن از یازده هزار نفر تجاوز نمی کرد.

در اواخر سده شانزدهم تعداد افراد ساکن این شهر کوچک به چهارده هزار نفر رسید و دویست سال بعد (سال ۱۷۸۶) یکصد و چهل و هفت هزار نفر در برلن میزیستند.

امروز جمعیت برلن در حدود سه میلیون و نیم نفر است و وسعت شهرک سابق از ۸۸۲ کیلومتر مربع تجاوز می کند.

برلن شهری استثنائی و از بسیاری جهات منحصر بفرد است و در ذکر اهمیت آن کافی است بگوئیم که از سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۶۵ یعنی در مدت بیست سال،



ش ۱

می‌توان: مدرسه اقتصاد، مدرسه عالی موسیقی و آکادمی مجسمه‌سازی و هنرهای زیبارا، نام برد.

کتابخانه «موقوفه اموال فرهنگی پروس» در برلن غربی دو میلیون و نود هزار جلد کتاب و کتابخانه «دولتی آلمان» در برلن شرقی دو میلیون و چهارصد هزار جلد کتاب دارد.

تعداد کتاب‌های دانشگاه‌های برلن باین شرح است: دانشگاه همبولت ۸۳۲ هزار، دانشگاه آزاد ۳۶۰ هزار، دانشگاه فنی ۲۱۰ هزار و دانشگاه آمریکائی ۳۶۰ هزار جلد. علاوه بر آن در هر دو قسمت برلن دهها کتابخانه برای جوانان تأسیس کرده‌اند.

شماره نمایشگاه‌های هنری و موزه‌ها و تالارهای کنسرت در برلن، بیش از هر شهر دیگر اروپائی است. در برلن غربی «اپرای آلمانی برلن» و در برلن شرقی دو اپرای: «دولتی برلن» و «اپرا کمیک» قرار دارند، که هر سه در شمار مهمترین اپراهای جهانند. ارکستر فیلارمونیک برلن که در سال ۱۸۶۷ ایجاد شد و رهبران بزرگی چون «فون بولو»، «نیکیش» و «فورتونگر» داشت، از سال ۱۹۵۴ تا کنون بوسیله هربرت فون کارایان رهبری میشود.

در برلن شرقی «جزیره موزه» مرکز موزه‌هاست و در برلن غربی «موزه‌های دولتی موقوفه اموال فرهنگی پروس» این نقش را بعهده دارد. هر یک از دو بخش برلن دارای دهها موزه درجه اول است. از آن جمله است موزه «دالم» در برلن غربی و موزه «پرگامون» در برلن شرقی. موزه اخیر مهم‌ترین موزه معماری آلمان و یکی از معروفترین موزه‌های معماری جهان است.



هفتاد سال قبل (سال ۱۹۰۴) بخش هنر اسلامی موزه برلن با کوشش «ویلهلم

فون بوده» و «فردریش ساره» افتتاح شد. این موزه که در ابتدا اهمیت زیادی نداشت، در مدت سی و چند سال بصورت یکی از نفیس‌ترین مجموعه‌های هنر ایران و اسلام - در خارج از کشورهای اسلامی - درآمد.

جنگ جهانی دوم به دوران طلائی موزه خاتمه داد و اشیاء آن - برای حفظ از بمباران - شهرهای مختلف آلمان انتقال یافت و فقط قسمتی از اشیاء در «موقوفه اموال فرهنگی پروس» در برلن باقی‌ماند.

بعد از جنگ چون امکان بازگرداندن همه اشیاء متعلق به موزه «هنر اسلامی» غیرممکن بود، متصدیان موزه بر آن شدند که بر تعداد اشیاء موزه آنقدر بیفزایند تا موزه - حداقل - بصورت موقع افتتاح درآید.

از کسانی که در احیای مجدد موزه کوشیدند، علاوه بر فردریش ساره، می‌توان «ارنست کونل» - که در سال ۱۹۳۱ مدیر موزه شد - و «کورت اردمان» - مدیر موزه از سال ۱۹۵۸ - را نام برد. این سه نفر با شرکت در کاوش‌های باستان‌شناسی کشورهای اسلامی، اشیاء زیادی مربوط به دوران پیش و بعد از اسلام، به موزه اضافه کردند.

اما فعالیت‌های جدی برای احیای موزه از سال ۱۹۴۷ شروع شد. در این سال به صورت برداری از اشیائی که از جنگ جان سالم! بدر برده بودند، پرداختند. در سال ۱۹۵۴ ارنست کونل نمایشگاه دائمی از اشیاء موجود، در محل موزه «دالم» ترتیب داد و در سال ۱۹۶۵ در همین محل مراسمی بخاطر درگذشت دو مدیر سابق موزه اسلامی - کونل و اردمان - که هر دو در سال ۱۹۶۴ مردند، برپا شد.

در سال ۱۹۶۷ نمایشگاهی از آثار دوره اسلامی در محل موزه «پیش از تاریخ» در «شارلوتن‌بورگ» افتتاح شد که تا پایان سال ۱۹۶۹ باقی بود. در ۱۱ ژوئن ۱۹۷۱

بالاخره موزه هنر پیش و بعد از اسلام در کنار موزه هنر هند و موزه آسیای شرقی، افتتاح یافت و نام آنرا «موزه‌های دولتی موقوفه اموال فرهنگی پروس» گذاشتند. اشیائی که عکس آنها در مقاله حاضر آمده است تنها نمونه‌هایی از آثار هنری ایران در موزه‌های دولتی موقوفه اموال فرهنگی پروس است. امید می‌رود که بامساعدت وزارت فرهنگ و هنر ایران ترتیب عکسبرداری از تمام اشیاء نفیس، داده شود.



وقتی از فرهنگ و تمدن ایران سخن می‌گوئیم بی‌اختیار بیاد تخت جمشید و ستون‌های سنگی کاخ آپادانا می‌افتیم، در حالی که هخامنشی‌ها تنها در ساختن کاخ‌های رفیع دست نداشتند، بلکه در فلزکاری و کنده‌کاری و قلمزنی فلزات و نیز هنرهای دیگری از جمله: سنگ‌تراشی و پیکر سازی، حکاکی روی عاج، مهر سازی، شیشه‌کاری و جواهر سازی استاد بودند. مهارت و استادی هنرمندان هخامنشی در سفال‌سازی بود که حتی سفال‌های رنگین نیز می‌ساختند و از جمله قسمتی از دیوارهای داخلی تخت جمشید را کاشی‌هایی برنگ‌های زرد و کبود و سیاه و سفید، پوشانیده است.

هنر هخامنشی به‌صحنه‌های مربوط به زندگی حقیقی کمتر توجه دارد. این هنر، هنری تزیینی و در خدمت قدرت است. در این هنر تک‌تک اجزای متشکله مهم نیست، بلکه ترکیب کلی آن اهمیت دارد.

با آنکه در عظمت هنر هخامنشی تردیدی نیست، باید پذیرفت که این هنر تا حدودی با سنن کهنه‌کاری و قلمزنی فلزات در شرق باستان پیوستگی دارد و از جمله تزیین نقوش حاشیه‌ها، سنتی باستانی است. اما هنر هیكل تراشی مجسم‌کننده که در نقوش برجسته دیده میشود، از ابداعات

هنرمندان هخامنشی است.^۱

هنر پیکرسازی هخامنشی هنری گروهی است نه فردی و پیکرساز از جهات بسیار - و از جمله انتخاب موضوع - آزادی عمل نداشته است. گیرشمن پیکر سازان هخامنشی را دنباله‌روی هنرمندان پیکرساز یونانی میدانند: «ما از هویت مجسمه‌سازی پارسی اطلاعی نداریم ولی محقق است که آن با مجسمه‌سازی یونانی نمی‌توانسته رقابت کند، زیرا مبنای هنر یونانی آیینی بود که بیش از همه «خلاق اشکال زیبا و داستانهای دلکش» میباشد. آیین پارسی بسیار جدی‌تر از آن بود که شاهکارهایی از قبیل عظمت مبرا از احساس زاوش (زنوس: خدای بزرگ یونان)، وقار آتنا (رَبَّةُ النُّوعِ اندیشه دریونان) یا جمال آفرودیتا (رَبَّةُ النُّوعِ جمال) را الهام کند.

اگر از روی چند مجسمه کوچک زرین که از این عهد باقی مانده، یا از سر امیری جوان که از خمیر لاجورد ساخته شده - و جدیداً در خرابه‌های تخت جمشید کشف گردیده - داورى کنیم، مجسمه سازی نمی‌توانست از ساختن پیکر شاهنشاه، یا شاید چند تن از مقتدرترین افراد شاهنشاهی وی تجاوز کرده باشد...»^۲

در جای دیگری می‌نویسد: «مع‌هذا، هیچ ملتی به شکوه و جلالی نظیر هخامنشی دست نیافته است، هر چند که همه چیز در آن کامل نیست... پارسیان نمیتوانستند منتظر بمانند تا هنر آنان مقدرات خود را تعقیب کند، و با تکامل تدریجی به نضج برسد. آنان با عاریه گرفتن هنرهای ملل دیگر، میتوانستند به شکوه و حشمت برسند، اما هنر ایشان، از نظر جوهر خویش، اصلاً خاطی و حامل نطفه محکومیت خود بود. این هنر در زمان کوروش بزرگ بود، و در زمان داریوش به دوره ترقی خود رسید، ولی رکودی طولیل از بیی داشت. اگر جریانات عصر خشپارشا و اردشیر را کنار بگذاریم، هنر مزبور تا پایان عصر هخامنشی لایتغیر ماند،



ش ۲

و آن زمانی که آتش مشتعل اسکندر عالیتربین جلوات وی را طعمه نیستی کرد، به‌غایت خود رسیده بود.»^۳

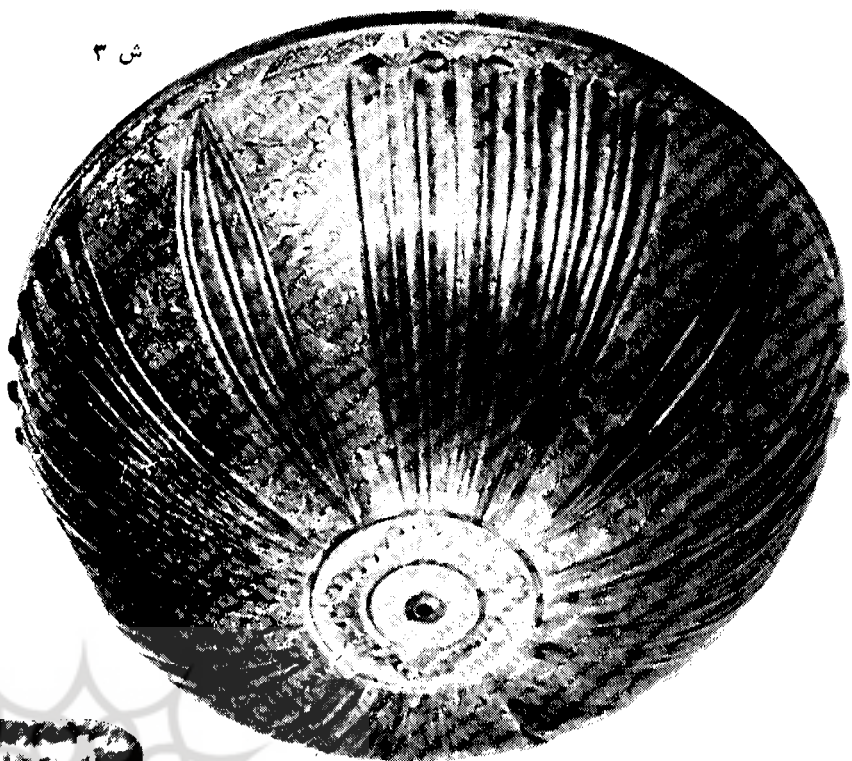
نمونه هنر پیکرسازی هخامنشی، مجسمه کوچک يك پارسی است. (ش ۱) این مجسمه از نقره ریختگی ساخته و بصورت توپیر تراشیده شده است و مربوط به سده

- ۱ - رجوع کنید به گنجینه‌های هنر ایران، هانا اردمان، ویسبادن ۱۹۶۷، ص ۲۵.
- ۲ - ایران از آغاز تا اسلام، ر. گیرشمن، ترجمه دکتر محمد معین، تهران ۱۳۳۶، ص ۱۶۷.
- ۳ - همان کتاب، ص ۱۷۲.

پنجم تا چهارم پیش از میلاد مسیح میباشد.
 هنرمندان هخامنشی در نقاشی بعضی
 از جانوران از قبیل گوسفند، شتر، شیر
 و بخصوص جانوران شاخدار نظیر بز
 کوهی دست داشتند و نمایش این جانوران
 گاهی نیمه خیالی و زمانی تمثیلی و به تلقین
 و تأثیر عقاید جادویی یا مذهبی انجام
 می گرفت.

یکی از بهترین نمونه‌هایی که در این
 زمینه بوجود آمد، نقش بسیار ظریف یک
 بز کوهی بالدار است که دسته ظرف یا
 کوزه‌ای بوده و بقولی بر روی ماسکی که

ش ۳



ش ۴





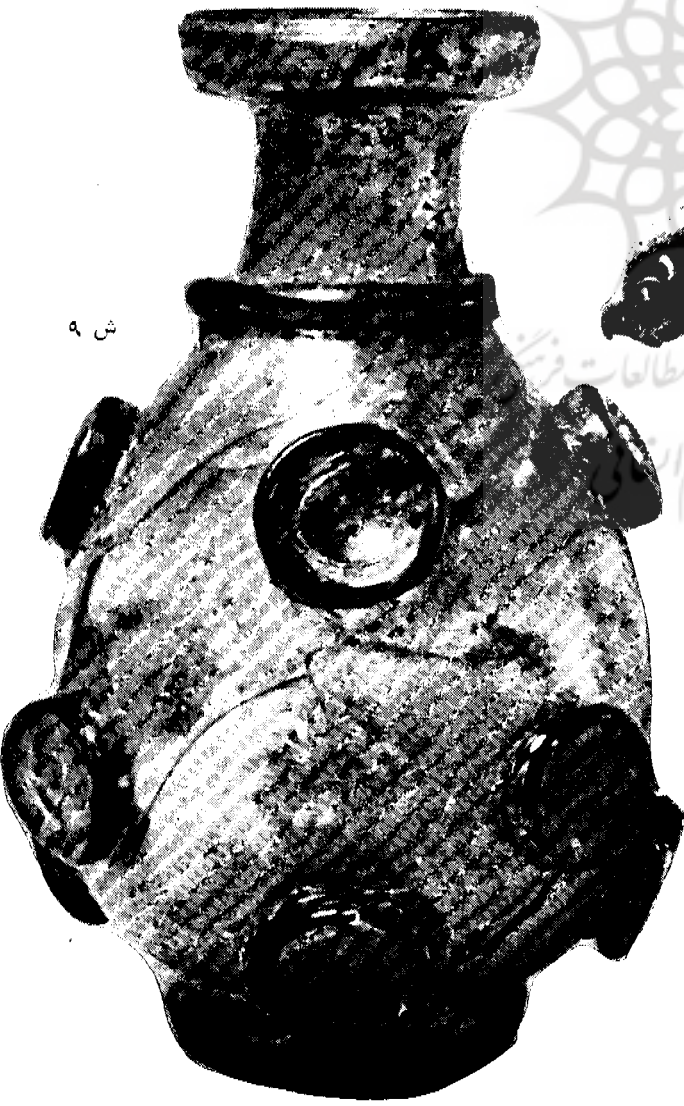
ش ۵



ش ۷



ش ۶



ش ۹



ش ۸

برای دفع چشم بد و ارواح خبیثه بوده ، ایستاده است (ش ۲) در این بز کوهی نیروی حیات و قدرت بوضوح پشتم میخورد و گوئی باجهش خود بطرف بالا شور و هیجان بهار را نشان میدهد . گفتنی است که هخامنشیان اعتقاد به نیروی جادوئی این حیوان داشتند و گمان میکردند که با تجسم او ، باران خواهد بارید.^۴ نظیر این بز کوهی بالدار در موزه لوور نیز هست .

در زمان پارتیان سبکی درنقره کاری بوجود آمده که مخلوطی از هنر ایرانی و یونانی بود . در این سبک نقش جانوران که در دوران هخامنشیان تمثیلی بود ، به طبیعت نزدیک شد و هنرمندان پارتی با چکش کاری خطوط ظریفی روی ظروف این دوره نقش کردند . نمونه آن جامی است از نقره که در قسمت هائی طلا کاری شده و روی آن برگهای برجسته و بیچکهای مو ، دیده میشود . (ش ۳) پوپ عقیده دارد که نوشیدن شراب در اینگونه ظروف لذتی خاص دارد : « ایرانیان تا دوره ساسانی عادت داشتند که در جامهای فلزی کم عمقی شراب بنوشند . این رسم البته عجیب نیست اما عادت بسیار ظریفی است . چنین جامی زیبایی شراب را به بهترین وجه نشان میدهد . در جام مسطح شراب گلگون می نماید ولی در جام عمیق رنگ آن سرخ تیره می شود . برجستگی های کف جام نیز سبب میشود که شراب زیبایی روی آنها موج بزند . . . »^۵

پارتیان به نقاشی دیواری ، مجسمه سازی مرمری و مفرغی و نیز نقش برجسته سنگی توجه خاصی داشتند و ظروف و مجسمه های سفالین زیبایی باترین برجسته از آنان باقی مانده است . از آن جمله است سوار تیر انداز از گل پخته که تیر بر کمان نهاده و آماده رها کردن آن بجانب حیوانی شکاری یادشمنی ناپیدا است . (ش ۴)

معماری ساسانی دنباله روی معماری پارتی است . این معماری با نقوش برجسته

توأم بود و بخصوص دیوارهای منازل و قصرها را با مرمر حجاری شده و منقوش تزیین میکردند . نقش برجسته بر روی سنگ مورد توجه هنرمندان ساسانی بود و در حدود سی نقش برجسته از آنان باقی مانده است که یکی از معروفترین آنها نقش برجسته شکار شاهی در طاق بستان است . از نمونه های جالب گچ بری دوره ساسانی ، نقش برجسته گچ بری شده دو بز کوهی در کنار درخت مورا ، می توان نام برد . (ش ۵)

این روش یعنی قرار گرفتن دو حیوان روبروی هم ، بعدها در انواع

هنرهای دستی و از جمله در پارچه بافی ، مورد توجه قرار گرفت . تصویر دو بز کوهی بحالت ایستاده و در دو طرف شاخه های متقارن درختی - درخت زندگی - يك عقیده مذهبی مردم آسیای غربی در دوران پیش از تاریخ است . در آن روزگاران مردم برای حاصلخیزی و فراوانی محصول ماسک بز کوهی بر سر می گذاشتند و دور درخت زندگی میرقصیدند . گاه هم دو

۴ - رجوع کنید به شاهکارهای هنر ایران ، آرثر آپهام پوپ ، ترجمه دکتر پرویز ناتل خانلری ، تهران ۱۳۳۸ ، ص ۲۳ .
۵ - همان کتاب ، ص ۲۳ .





ش ۱۱

بر کوهی را گرد درخت زندگی نقش
 میکردند و مرادشان فراوانی و برکت بود.
 تمایل به سبک تزئینی با نشان دادن
 صورت حیوانات، یادگار هنر مادهاست.
 در دوران ساسانیان نیز ظروف فلزی
 متعددی بشکل حیوانات ساخته شد؛ از آن
 جمله است گلدان سیمین مطلا با سه پرنده
 در میان درختان نخل. (ش ۶) گردن
 صاف گلدان با بدنه منقش آن تضادی دارد
 که بر زیبایی گلدان می افزاید.
 در هنرهای دستی ظریف فلزکاری
 قیمتی از همه مهم تر است. روی این ظروف
 علاوه بر تصاویر برجسته حیوانات، گاهی
 نیز منظره شکار را نمایش میدادند و طبیعی
 است که شکارچی کسی جز شاه نمی توانست
 باشد. نمونه این ظروف بشقاب لب تختی
 است از نقره طلاکاری شده که تصویر شاه
 را در حال شکار گراز نشان میدهد. از
 تاجی که بر سر شاه است می توان باسانی
 معلوم کرد که او کسی جز بهرام گور نیست،
 زیرا تاج بهرام گور از کره خورشید که در

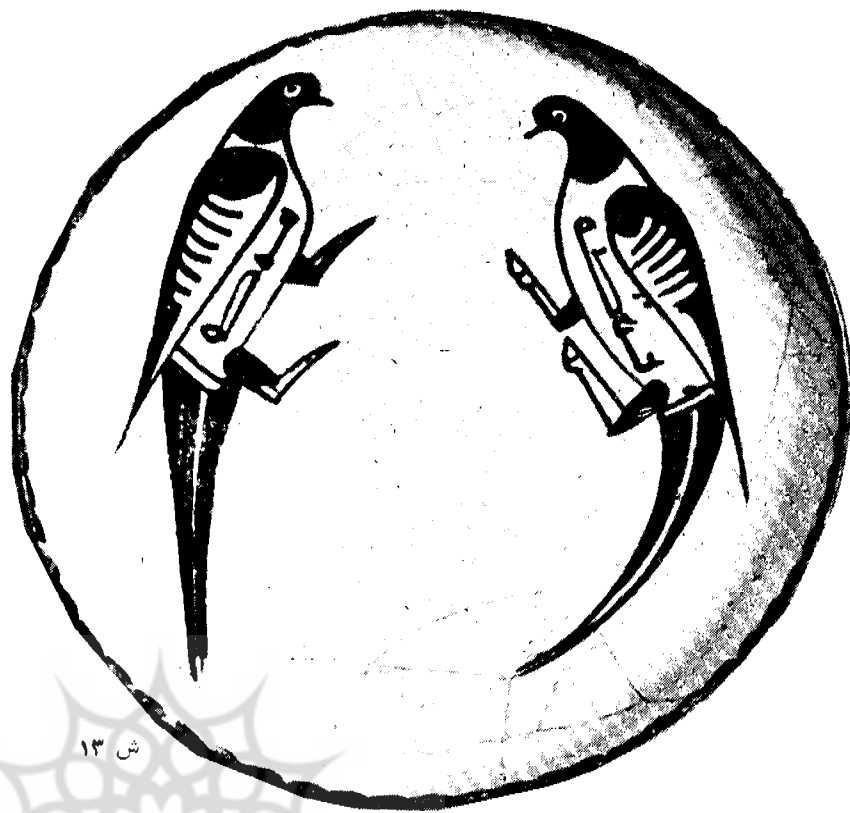
ش ۱۲



وبالهایش — که بزبانی کنده کاری شده — صلیب وار بدمش وصل شده است . در دو طرف شکم پرنده و نیز روی سر و منقار او ، سوراخ‌هایی برای خارج شدن بخور تعبیه کرده‌اند . دسته بخوردان بشکل یوز پلنگی است که بطرف شکاری بخت بر گشته، خیز گرفته است .

نظیر این قطعه در موزه ارمیتاژ موجود است و تاریخ ساختن آن سال ۱۰۶ هجری (۷۲۳ میلادی) است . دور نیست که هر دوی این پرندگان در دوران خلفای اموی ، در شمال غربی ایران ساخته شده باشند .

شکل پرندگان درسده‌های بعد مورد تقلید برخی از کشورهای اروپائی قرار گرفت و بخصوص در پارچه‌های ابریشمی دوره بیزانس ، نقش انواع پرندگان — و بخصوص سیمرغ — معمول بود .



ش ۱۳

هلال ماه واقع شده ، تشکیل یافته بود .
(ش ۷)

شاه جامه گرانبهای برتن دارد و اسبش پادیدن گرازها رم کرده و یا بقصد کمک بشاه ، دو پای جلویی را بالا برده تا بر سر یکی از گرازها فرود آورد . در بالای بشقاب فرشته نگهبانی در حال پرواز است .

کنده کاران ساسانی تصویر مرغان حقیقی یا خیالی را زباده سوژه قرار می‌دادند و شکل آنها را بر روی نقره یا مفرغ نقش میکردند . ظروف مفرغی ساسانی ظرافت اشیاء نقره آن دوران را نداشت با اینحال نمونه زیبایی از آن (ش ۸) در موزه برلن باقی‌است . این ظرف بخوردانی است بشکل یک پرنده شکاری که تزئیناتی در تمام سطح خارجی آن شده است . این تزئینات بیشتر نقش پرندگان ، چند خرگوش و گلها و گیاهان مختلف را ، نشان میدهد .

پرنده بطور ایستاده قرار دارد



ش ۱۴



اما محکم بود. معمولاً ظرفها را بشکل مجسمه‌های کوچک پرندگان، جانوران، جعبه جواهر، قلمدان، پایه‌های شمعدان، منقل، فانوسهای مشبک، تنگ، صندوق، قاب آئینه و آفتابه می‌ساختند و روی آنرا حکاکی میکردند. هنر ترصیع و نشانندن فلزهای گرانبها در فلز دیگر نیز مورد توجه هنرمندان ایرانی بود و شهر هرات در این نوع هنر مرکزیت داشت. خراسان و ترکستان غربی نیز در ساختن ظرفهای بزرگ مفرغی مشهور بود.

در زمان سلجوقیان به نقش‌های تریبینی توجه بیشتری شد و معمولاً قطعات نقره را بصورت برجسته روی ظرفهای مفرغی می‌نشانند. غوری مفرغ‌کننده کاری و مرصع از خراسان نمونه این نوع ظروف است. (ش ۱۰) بدنه این غوری گرد، پایه آن نسبتاً باریک و دهانه‌اش منقاردار

شیشه از قدیم‌ترین مصنوعات بشر است. از جمله درمیانه هزاره دوم انواع شیشه‌های پر (مجوف) را در بین‌النهرین می‌ساختند و یاشیشه‌های شفاف سبزرنگ را در آشور فراهم میکردند.

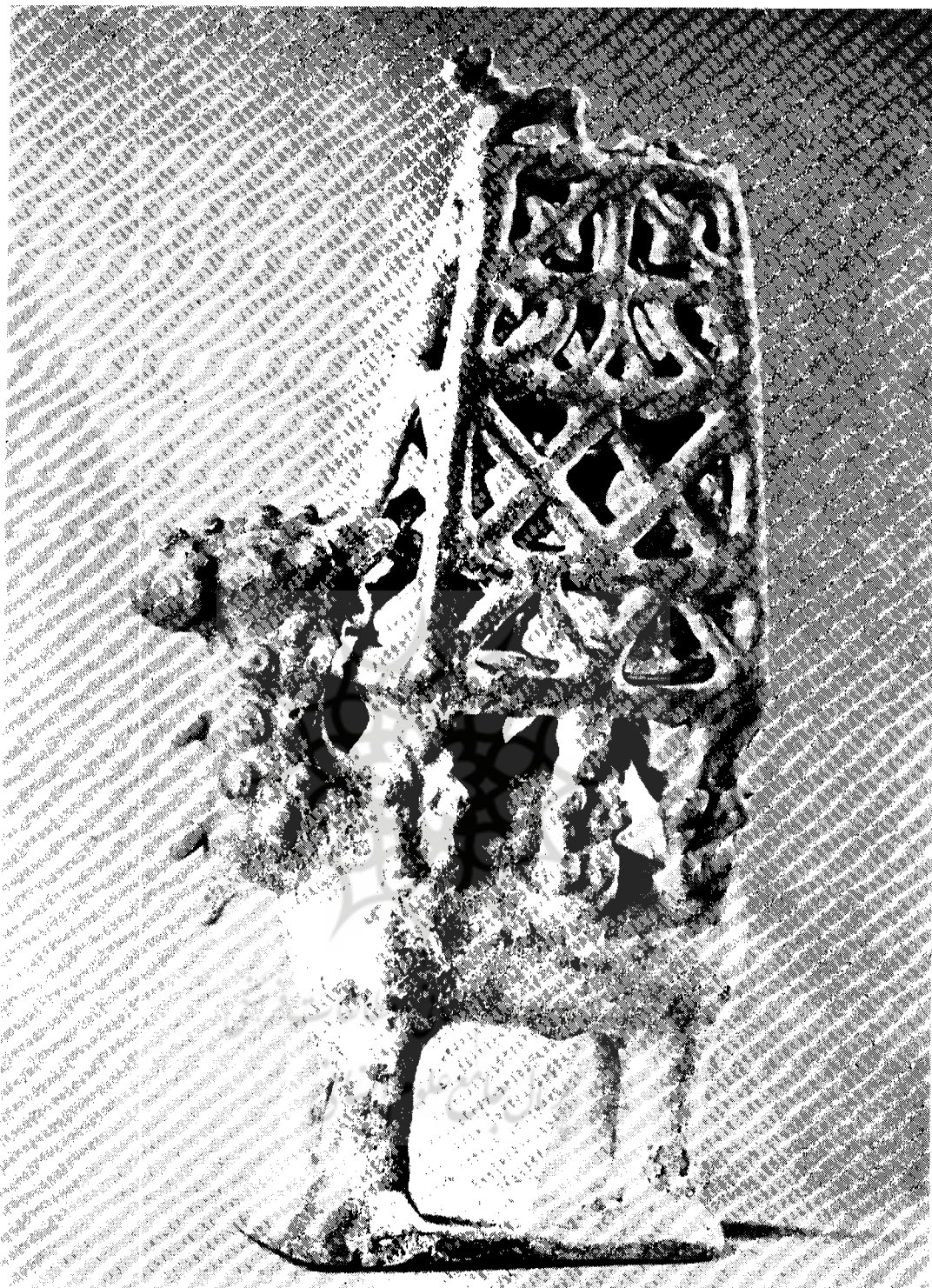
پارتیان به ساختن ظروف شیشه‌ای توجه خاصی داشتند. ساسانیان کارگاه کامل شیشه‌گری ایجاد کرده بودند و در بسیاری از موارد شیشه جای سنگهای شفاف را می‌گرفت.

از دوره ساسانی گلدانها و کاسه‌های شیشه‌ای بسیار زیبایی - که دیواره نازک دارند - باقی مانده است که نمونه آن گلدانی از شیشه نازک سبزرنگ است. (ش ۹)

در دوره اسلام، بخصوص بعد از قرن چهارم هجری هنر تولید و آرایش فلز آلات رواج یافت. ابتدا ظروف مختلف را بسبک ساسانیان می‌ساختند و بعد بسبک اسلامی جای آنرا گرفت.

شکل ظرفهای فلزی اسلامی ساده





ش ۱۷

است. در قسمت بالای بدنه غوری بیست و چهار شیر برجسته دیده میشود. در طرف چپ دسته غوری نیز شیر برجسته دیگری بچشم میخورد. قسمت‌های مختلف بدنه و دهنه غوری توشیح و کنده کاری و تزئین شده و در بدنه آن دعائی بطور عمودی بزبان عربی نوشته شده است. این غوری بدوره سلجوقیان تعلق دارد و بطوریکه میدانیم در آن زمان از هیكل‌های کوچک جانوران برای آراستن سر ظروف استفاده میشده است.

دیگر از اشیاء مفرغی این دوره، جعبه جواهر زیبایی است که در چهار طرف آن نگهبانانی چماق بدست از صندوق محافظت می‌کنند! دور سرپوش جعبه، کتیبه‌ای بخط کوفی نقش شده که متضمن دعای خیر و برکت است. (ش ۱۱) روی جعبه طلاکوبی و نقره کوبی شده و گل و بندها و طرح‌های زیبایی سراسر جعبه را پوشانیده است.

بعد از اسلام تادم‌تی صنعت شیشه‌سازی در ایران تقلیدی از سبک ساسانیان بود ولی بتدریج - و بخصوص در دوره حکومت فاطمیان - این صنعت استقلال یافت و بشکلی ظریف و تازه عرضه شد.

در سده‌های نهم و دهم غوریهای گلایی شکل، جامهای پایه‌دار و تنگ‌های پرنقش و نیز لیوانهایی برنگهای آبی و سبز و زرد و قرمز، با ظرافت ساخته می‌شد.

یکی از نمونه‌های جالب شیشه‌سازی سده دهم میلادی تنگ شیشه‌ای با نقش‌های لوزی شکل است. این تنگ برنگ سبز مایل بآبی است. گردنی نسبتاً بلند و دهانه‌ای بشکل بشقاب لب تخت دارد.

بدنه تنگ به چندین نقش لوزی شکل تقسیم شده و توی لوزیها با خطوط تزئینی تراشکاری شده است. در بالای بدنه غوری و نیز روی دهانه آن، نقطه‌چین‌های صیقلی و مارپیچی بچشم میخورد. (ش ۱۲) نظیر این تنگ را می‌توان در نیشابور و افراسیاب (سمرقند) یافت.

سفال‌سازی از روزگاران پیشین در آسیای غربی رواج داشته است. بعد از نفوذ دین اسلام در ایران، بساختن اشیاء سفالی توجه بیشتری شد زیرا دین اسلام استعمال فلزات گرانبهارا منع کرده بود و در نتیجه هنرمندان بسایر رشته‌های هنری و بخصوص سفال‌سازی توجه کردند.

سفال‌های اسلامی را بدو دوره اصلی میتوان تقسیم کرد: سفال‌های اوایل اسلام تاسده دهم و سفال‌های دوره سلجوقی (از سده یازدهم).

سفال‌های گروه اول ساده و دارای تزئینات زیبایی بود و معمولاً اشعار یا نوشته‌هایی بفارسی یا عربی درباره دعا و برکت، روی آنها نقش میشد. این سفال‌ها ضخیم و غالباً بریدگی و تورفتگی داشت و بیشتر نقش جانوران افسانه‌ای یا پرندگان در آنان دیده میشود.

از مهمترین مراکز سفال‌سازی این دوره می‌توان شهرهای افراسیاب و نیشابور را نام برد. بخصوص سفال‌های نیشابور از نظر قدرت تزئین و رنگامیزی و استفاده از رنگهای سیاه و قرمز بر زمینه سفید، شهرت دارد. نمونه ساده سفال‌های نیشابور کاسه‌ای است از گل سرخ که دو مرغ بر روی روکش لعابی سفید کاسه به رنگهای سیاه و قهوه‌ای نقش شده و در سینه مرغان واژه «برکت» نوشته شده است. (ش ۱۳)

نمونه قدحی است از گل سرخ روشن با تصویر چندین پرند. برخی از پرندگان در حال پروازند و دیگران هر یک شیئی بدهان دارند. (ش ۱۴) در اطراف تصویر عبارتی بخط کوفی نوشته شده است.

نمونه بعدی کاسه با تصویر سوار و سه مرغ است. در اینجا نقش اصلی - برخلاف سفال‌های قبلی - با انسان است و آن پهلوانی است که لباس رزم بر تن کرده، در دست راست دهانه اسبش را گرفته و در دست چپ شمشیری کوتاه دارد. (ش ۱۵) در اطراف سوار سه مرغ و اشکالی از گلها و غنچه‌ها دیده میشود. دور ظرف

عبارتی بخط کوفی نقش گردیده است. در دوره سلجوقیان هنرهای دستی ظریف ترقی فوق‌العاده‌ای کرد و به جنبه تزئینی و ریزه‌کاری آنها توجه بیشتری شد. در زمینه سفال‌سازی، سفال تجملی یا لعابی بوجود آمد. در این سبک لعابهای به رنگهای گوناگون بمنظور نقاشی روی سفال بکار میرفت. از ابداعات جالب دیگر سفال‌سازان اسلامی لعابهای زرین است که ظرف را برنگ طلائی درخشان درمی‌آورد. مرکز این فن ری و گرگان بود.

در این سبک از زندگی الهام گرفته شده و موضوع بسیاری از نقاشی‌های روی ظروف را مجالس بزم و صحنه‌های شکار تشکیل میدهد. غالباً دور بشقاب‌های با لعاب زرین را با نوشته‌هایی آرایش میکردند و رنگهای طلائی درخشان، سبز مایل بزرد و قرمز و قهوه‌ای، مورد استعمال فراوان داشت.

در سده دوازدهم سفال‌های مینائی ساخته شد و در این نوع سفال‌ها رنگهای مختلفی را بکار میبردند. ظروف این دوره بسیار ظریف و دارای دیواره‌های نازکی بود و غالباً به تقلید از ساسانیان، در سفال سازی از نقوش برجسته استفاده می‌شد.

بعد از حمله مغول و ویرانی ری، مرکز سفال‌سازی به شهرهای دیگر از جمله کاشان، ساوه، نیشابور، سلطان آباد، گرگان و تبریز منتقل شد. در کاشان لعابهای زرین را با برجسته ساختن تصاویر ترکیب کردند و سفال لعابی منقش را «کاشی» خواندند. حاشیه غالب ظروف کاشی پهن بود و در آنها شعر و دعا می‌نوشتند. گاهی بر روی ظروف، نوشته‌های برجسته نقش میشد و نقوش غالباً قرینه داشت.

یکی از نمونه‌های سفال کاشان، کاسه لعابی چینی با تصویر دو مرغ است. (ش ۱۶) در خارج از دایره وسط مطالبی بخط عربی نوشته شده و حاشیه پهن ظرف دارای هشت خانه منظم است که در داخل

آنها گل و بته نقش شده و در فاصله بین خانه‌ها طرح‌های رویهمی از گل‌ها و برگ‌ها بیچشم میخورد.

نمونه دیگر از سفال‌های این دوره شتری است از جنس سفال لعابی فیروزه‌ای شفاف. (ش ۱۷) بر روی شتر کجاوه بلندی قرار دارد و روی کجاوه دو شیر وجود داشته، که شیر عقبی از میان رفته است. علاوه بر شیرها در قسمت زیرین کجاوه، نقش جانوران دیگری دیده میشود.

برخی این سفال‌را ساخته هنرمندان گرگان میدانند، اما دور نیست که از ساوه باشد، زیرا سفال‌های منقش به شکل جانوران غالباً بوسیله هنرمندان ساوه ساخته شده است.

سفال‌سازان ری به رنگ‌های سفید و لاجوردی تمایل داشتند و بیشتر مجالس شکار را مجسم میکردند. جانور، بخصوص جانور خیالی و نیز سبزه و گل و پرندگان در آثار آنها بفرآوانی دیده میشود ولی معمولاً جانوران نقش فرعی را بعهده داشتند و فقط دور کاسه پادشاهانه کوزه یا تنگ را می‌پوشاندند. گاهی در گردن ظرف عباراتی بخط کوفی می‌نوشتند و یا برخی از ظرف‌ها را با نقوش برجسته رنگارنگ می‌ساختند. از خصوصیات دیگر شیوه سفال‌سازان ری نازکی دیواره ظرف‌ها بود که بقولی نور از آنها می‌گذشت.

نمونه سفال‌های ری، کاسه با تصویر دوانسان نشسته است. یکی از دونفر احتمالاً پرنده کوچکی در دست دارد و در اطراف آنان چند شاخه و برگ بیچشم میخورد. در دایره بزرگتر چهار شیر بالدار با سر آدمی نقش شده‌اند و در فاصله میان شیرها، گیاهی شبیه ساقه گندم - نماینده فصل درو و خرمن - روئیده است. حاشیه خارجی تصویر دارای تزییناتی شبیه خط کوفی است. (ش ۱۸)

بشقاب پر نقش و نگار با تصویر کنده کاری شده یک عقاب - که شاید در



ش ۱۸



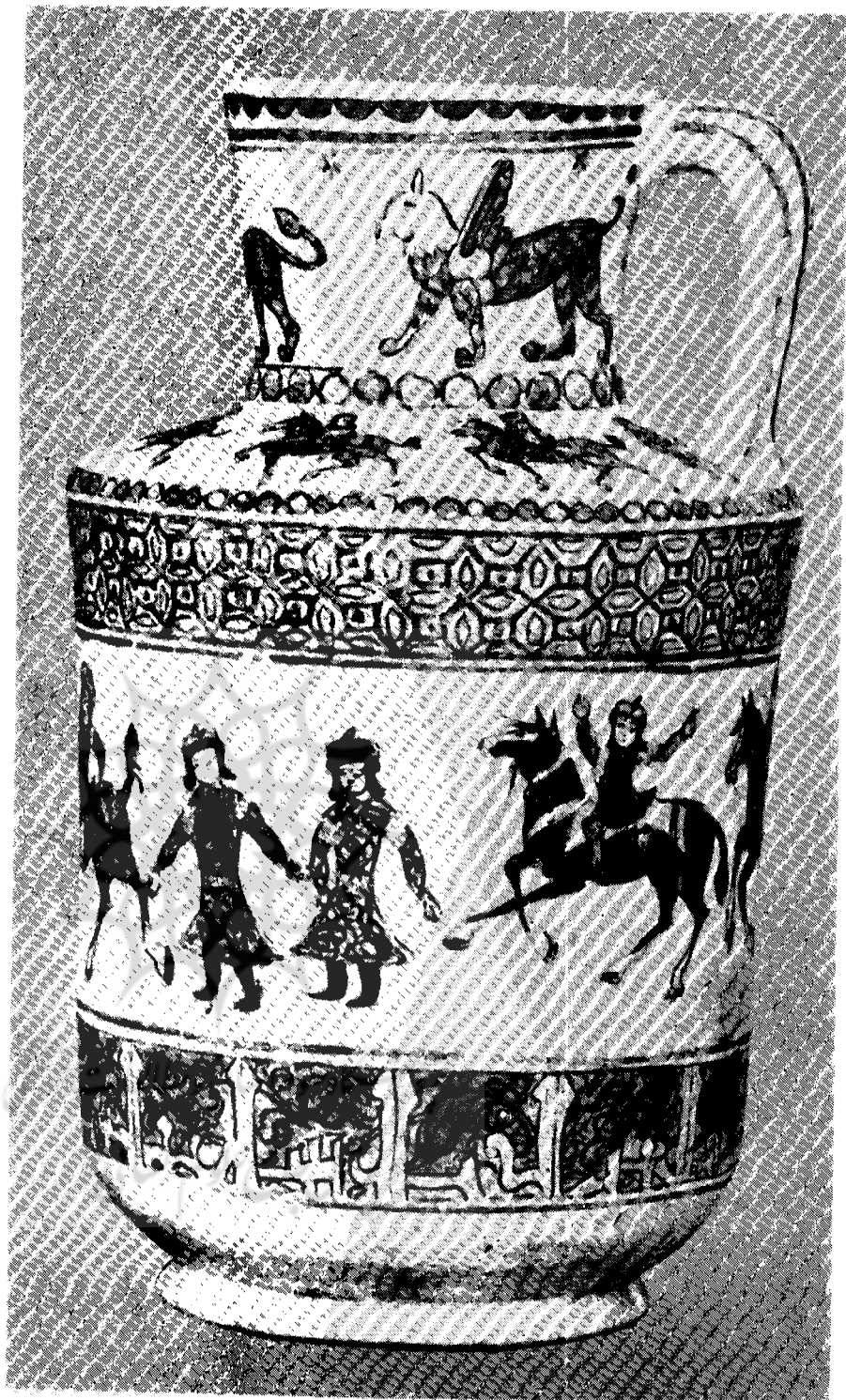
ش ۱۹

طلب طعمه پرو بال آراسته است - نمونه
دیگر سفال‌های ری است . (ش ۱۹) لبه
بشقاب بابوته‌های ساده گل و تزییناتی شبیه
خط کوفی پوشیده شده است .

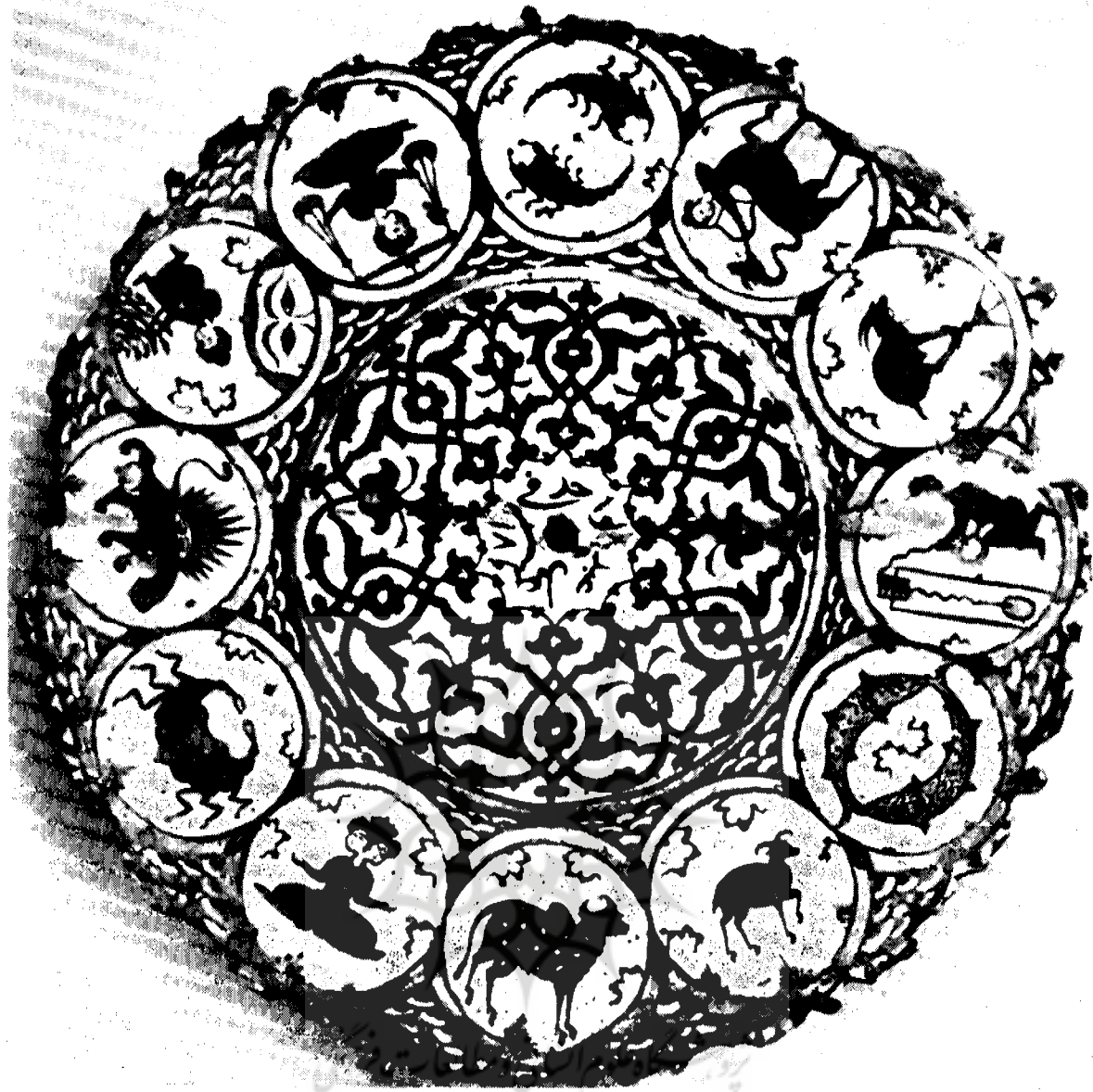
دیگر از آثار جالب هنرمندان شهر
ری کوزه دستدار سفال مینائی است .
این کوزه در اوایل سده سیزدهم میلادی
ساخته شده و چندین سوار و پیاده نقوش
اصلی کوزه را تشکیل می‌دهند . برخی از
سواران دستهارا بجانب آسمان بلند کرده
و شاید در حال دعا کردن هستند ، پیاده‌ها
هم دستهای همدیگر را گرفته‌اند . چون
مردان مسلح بنظر نمی‌آیند ، گمان نمی‌رود
که عازم میدان جنگ باشند . (ش ۲۰)
شاید این صحنه مربوط بشکار است و سوار
و پیاده هیاهو می‌کنند تا شکار بطرفی که
تیراندازان کمین گرفته‌اند ، رانده شود .
در اطراف دسته زبرین کوزه چند
سوار دیگر اسب می‌تازند و در گردن کوزه
شیرهای بالدار درحرر کنند . در بالا و پائین
قسمت اصلی کوزه ، خانه‌های منظمی بچشم
می‌خورد و درخانه‌های زبرین گل و بنده
دیده میشود .

در سده‌های هفتم و هشتم هجری ،
سلطان آباد یکی از مراکز سفال‌سازی شد
و سفال‌سازان زبردست آنجا بشیوهی
هنرمندان کاشان ، سفال‌های جالبی
ساختند . در ظروف سفالی سلطان آباد ،
سادگی مورد توجه است و بیش از تماویر
انسان و جانوران ، به طرحهای اسلیمی
توجه شده است . چینی لعابی با «صحنه‌ای
با دوازده صورت فلکی» (منطقه البروج)
نمونه احتمالی سفال‌های سلطان آباد است .
(ش ۲۱)

پوپ رنگهای سفید شکوفه‌ای در
زمینه تاریک و خطهای باریک آبی را از
مشخصات این سبک میدانند ؛ «پرتقشی»
داخل ظرف نیز از خصوصیات سفال‌های
سلطان آباد است ؛ گاهی هم ظروف ساده



ش ۲۰



رتال جامع علوم انسانی

ش ۲۱

که دایره وسطی خشکی‌های زمین و دایره بزرگتر دریاها را نشان میدهد؛ زیرا دور دوازده صورت فلکی را آب گرفته است. در تصویر برج اسد، نشان پرچم ایران «شیر و خورشید» نقش شده است.

۹۷۱ هجری نقش شده و گرداگرد آن با گله‌ها و پیچکها - احتمالاً - شبدرهای پنج‌پیری احاطه شده است. شاید هنرمند این اثر را در بهار تهیه کرده و بدین وسیله فرارسیدن بهار را اعلام میکند. دور نیست

و یکرنگ با نقوش برجسته و یکی از رنگهای بنفش، آبی و سبز فیروزه‌ای ساخته میشود.

در وسط صفحه چینی لعابی سلطان آباد، نام سازنده آن «عبدالواحد» و تاریخ

- ش ۱ - مجسمه كوچك يك پارسي، تفره ريختگي، توپر، ظاهراً از سولوی واقع در ایالت کیلیکیه (آسیای صغیر)، هنر هخامنشی، سده پنجم و چهارم ق. م. ، بلندی ۱۴ سانتیمتر، پهنا ۳٫۳ سانتیمتر.
- ش ۲ - بزکوهی بالدار، سیمین مطلا، ظاهراً از ارمنستان، هنر هخامنشی، سده چهارم ق. م. ، بلندی ۲۷ سانتیمتر.
- ش ۳ - جام نیم کره، سیمین مطلا، نهاوند، هنر پارسی، حدود ۱۵۰ سال ق. م. ، قطر ۱۴٫۵ سانتیمتر، بلندی ۸٫۵ سانتیمتر.
- ش ۴ - سوار تیرانداز، گیل پخته، نقش برجسته، هنر پارسی، سده اول تا سوم میلادی، بلندی ۱۷ سانتیمتر، پهنا ۱۰ سانتیمتر.
- ش ۵ - دو بزکوهی در کنار درخت مو، گچ بری، نقش برجسته، هنر ساسانی، سده پنجم و ششم میلادی، بلندی ۳۷ سانتیمتر، پهنا ۳۵ سانتیمتر.
- ش ۶ - گلدان با سه پرده در میان درختان نخل، سیمین مطلا، هنر ساسانی، سده پنجم و ششم میلادی، بلندی ۱۶ سانتیمتر، قطر ۸٫۵ سانتیمتر.
- ش ۷ - پادشاه ساسانی در حال شکار، سیمین مطلا، از نووبایزید در قفقاز، هنر ساسانی، سده هفتم میلادی، قطر ۱۹ سانتیمتر بلندی ۴ سانتیمتر، وزن ۷۹۵ گرم.
- ش ۸ - بخوردان بشکل یک پرده شکاری، مفرغ، ریختگی، هنر بعد از ساسانی، سده هشتم میلادی، بلندی ۳٫۴۵ سانتیمتر.
- ش ۹ - گلدان، شیشه نازک سبزرنگ، هنر ساسانی، سده ششم و هفتم میلادی، بلندی ۱۴٫۳ سانتیمتر، قطر ۸٫۴ سانتیمتر.
- ش ۱۰ - غوری، مفرغ، کنده کاری، خراسان، سده دوازدهم میلادی، بلندی ۳۸ سانتیمتر، قطر ۳۰ سانتیمتر.
- ش ۱۱ - جعبه جواهر، مفرغ، سیم وزر نشان، ایران، سده سیزدهم میلادی، بلندی ۱۳ سانتیمتر، پهنا ۱۰ سانتیمتر، درازا ۱۳ سانتیمتر.
- ش ۱۲ - تنگ، شیشه سبز مایل بآبی، گرگان، سده دهم میلادی، بلندی ۲۵٫۵ سانتیمتر، قطر ۱۴٫۵ سانتیمتر.
- ش ۱۳ - کاسه با دومرغ، گیل سرخ، روکش لعابی سفید، نیشابور (شاید از افراسیاب)، سده دهم میلادی، قطر ۲۳٫۵ سانتیمتر، بلندی ۶٫۳ سانتیمتر.
- ش ۱۴ - قدح با تصویر پرندگان، گیل سرخ روشن، روکش لعابی زرد، نیشابور، سده نهم و دهم میلادی، قطر ۲۲٫۷ سانتیمتر، بلندی ۷ سانتیمتر.
- ش ۱۵ - کاسه با تصویر سوار و سه مرغ، گیل سرخ روشن، روکش زرد، نیشابور، سده دهم میلادی، قطر ۲۱٫۷ سانتیمتر، بلندی ۵٫۵ سانتیمتر.
- ش ۱۶ - کاسه لعابی چینی با تصویر دومرغ، گیل پخته سخت، لعاب بیرنگ، روکش سفید، کاشان، اوایل سده سیزدهم میلادی، قطر ۲۳٫۵ سانتیمتر، بلندی ۲٫۵ سانتیمتر.
- ش ۱۷ - شتر با کجاوه بلند، گیل زرد رنگ درشت، لعاب فیروزه، گرگان (ساوه)، سده دوازدهم میلادی، بلندی ۳۲٫۵ سانتیمتر، پهنا ۱۷ سانتیمتر.
- ش ۱۸ - کاسه با تصویر دوانسان و چهار شیر بالدار با سر آدمی، گیل سخت مطلا، لعاب سفید عاجی رنگ، رنگارنگ، ری، پایان سده دوازدهم میلادی، قطر ۴۰٫۲ سانتیمتر، بلندی ۷٫۸ سانتیمتر.
- ش ۱۹ - بشقاب لعابی با تصویر عقاب، گیل، کنده کاری، رنگارنگ، ری، سده دوازدهم میلادی، قطر ۴۱ سانتیمتر، بلندی ۶٫۵ سانتیمتر.
- ش ۲۰ - کوزه دستدار با چند سوار و پیاده و شیر بالدار، سفال مینائی، رنگارنگ، ری، حدود ۱۲۰۰ میلادی، بلندی ۲۱٫۵ سانتیمتر، قطر ۱۲٫۷ سانتیمتر.
- ش ۲۱ - صفحه‌ای با دوازده صورت فلکی (منطقه البروج)، گیل پخته سخت، چینی لعابی، احتمالاً از سلطان آباد، تاریخ ۱۵۶۳/۶۴ میلادی (۹۷۱ هجری)، قطر ۴۱ سانتیمتر.